

نقش کنیزان رامشگر در موسیقی قرون اولیه اسلامی (دوره اموی و عصر اول عباسی)

نرگس ذاکر جعفری^۱

چکیده

هدف از تحقیق حاضر مطالعه جایگاه و نقش کنیزان در موسیقی قرون نخستین اسلامی است. نقش مهم کنیزان در پیشبرد موسیقی قرون اولیه اسلامی و دامنه فعالیت آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد: نوازندگی، خوانندگی، آهنگ‌سازی، آموزش موسیقی، حفظ و انتشار ساخته‌های موسیقی‌دانان، نقد و مباحثه و ایجاد فضای پویای موسیقایی در جامعه. نظریه پردازی موسیقی تنها جنبه‌ای بود که بانوان به آن نمی‌پرداختند و بنا به دلایل علمی و تخصصی‌تر، حوزه‌ای مردانه به‌شمار می‌رفت. از مظاهر توانمندی زنان در موسیقی قرون اولیه اسلامی، نقش آنان در آموزش و تربیت موسیقی‌دانان نسل خود است. شاگردی کردن مردان نزد بانوان موضوع درخور توجهی است که در جامعه مردسالار آن زمان رایج بود. از دیگر یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان به نوعی تضاد و دوگانگی در موقعیت و رفتارهای اجتماعی بانوان موسیقی‌دان اشاره کرد. از یک‌سو اشتغال به موسیقی باعث ارتقای جایگاه کنیزان می‌شد. آن‌ها با آموزش موسیقی به جایگاه بالای اجتماعی می‌رسیدند و همانند شاهزادگان شهرت و ثروت فراوانی کسب می‌کردند. اما، از سوی دیگر، اشتغال بانوان طبقات بالا و اشراف به موسیقی دون شأن اجتماعی و خانوادگی آن‌ها محسوب می‌شد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژگان

زنان موسیقی‌دان، کنیزان رامشگر، موسیقی اموی، موسیقی در قرون اولیه اسلامی، موسیقی عباسی، نقش زنان در موسیقی.

مقدمه

زنان در طول تاریخ در بخش‌های مختلف هنری، به‌ویژه موسیقی، حضور فعالی داشته‌اند، اما در تاریخ‌نگاری‌ها و آثار دوران مختلف به این حضور کمتر پرداخته شده است. میزان حضور و فعالیت اجتماعی زنان در فرهنگ‌ها و جوامع می‌تواند با میزان رشد و بالندگی آنان ارتباطی مستقیم داشته باشد. موسیقی به‌منزله پدیده‌ای برآمده از فرهنگ، بازگوکننده شرایط فرهنگی و اجتماعی دوران خود است. از این‌رو، بررسی موسیقی و مسائل پیرامون آن راهی برای شناخت جوامع و فرهنگ‌ها به‌شمار می‌آید.

در دسته‌بندی مشاغل گاهی با عنوان‌هایی همچون مردانه و زنانه مواجه هستیم. این دسته‌بندی‌ها در دوره‌های مختلف تغییرات فراوانی در قالب و محتوای خود داشته‌اند که فقط به ادوار تاریخی مختلف مختص نیست، بلکه به هنجارهای فرهنگی نیز وابسته است [۸، ص ۸]. از این‌رو، بررسی دو شاخصه جنسیت و هنر دید وسیع‌تری از اوضاع فرهنگی و اجتماعی در ادوار مختلف تاریخی را به ما می‌نمایاند. هدف کلی در این پژوهش دست‌یافتن به بینشی جامع به نقش و جایگاه موسیقی‌دانان زن و به‌طور اخص کنیزان زن در موسیقی دوره‌ای مهم در تاریخ ایران و اسلام، یعنی دو قرن نخست اسلامی، است. در مقاله حاضر کوشیده‌ایم به پرسش‌های اصلی ذیل پاسخ دهیم:

- زنان، و به‌طور خاص کنیزان زن، چه دستاوردهایی در پیشبرد موسیقی قرون اولیه اسلامی به همراه داشتند؟

- زنان موسیقی‌دان چه جایگاه اجتماعی در دوره‌های آغازین جامعه اسلامی کسب کردند؟

- دوگانگی‌ها و تقابل‌های اجتماعی که در جایگاه و نقش کنیزان موسیقی‌دان قرون نخستین اسلامی وجود داشت کدام‌اند؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و گردآوری منابع براساس روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد اولیه انجام شده است. روش اجرا به صورت استدلال استقرایی است. در این روش، نتایج با مشاهده نمونه و تعمیم به کل حاصل می‌شود. به این ترتیب که متون به‌صورت جزء‌به‌جزء مطالعه شده، سپس به تحلیل داده‌ها پرداخته شده و در نهایت نتیجه‌ای کلی به‌دست آمده است.

پیشینه پژوهش

در مورد جایگاه زنان در موسیقی دوره‌های اسلامی تحقیقات پراکنده‌ای انجام گرفته است.

مقاله‌هایی مانند «جایگاه بانوان موسیقی‌دان در دوره صفوی با نگاهی بر تصاویر نگارگری» [۱۲]، «مطالعه تأثیر زنان در عرصه هنر موسیقی دوران میانی اسلام براساس نقوش سفالی» [۱۳] و «بررسی هویت زنان در نقوش آثار هنری سده‌های آغازین اسلام» [۱۵] به بررسی نقوش به‌جامانده از دوره‌های مختلف اسلامی و جایگاه زنان رامشگر در این نقوش پرداخته‌اند. مبنای پژوهش در این مقاله‌ها نقوش به‌جامانده از آن دوران هستند و بررسی متون مکتوب انجام نشده است. در مقاله «کارکرد کنیزان در خانواده» [۱۶] به مطالعه نقش کنیزان در کانون خانواده پرداخته شده است که از برخی جهات می‌تواند راهگشای تحقیق حاضر باشد. در کتاب *زنان موسیقی ایران از اسطوره تا امروز* [۲۲]، زنان موسیقی‌دان از دوران باستان تا امروز، فارغ از مسائل و شرایط اجتماعی‌شان، بررسی شده‌اند و صرفاً حالتی معرفی‌گونه دارد. در پژوهش حاضر، نقش موسیقی‌دانان زن، و به‌طور خاص کنیزان زن، در دولت‌های آغازین اسلامی، یعنی حکومت اموی و عصر اول حکومت عباسی، را مطالعه کرده‌ایم که حدود دو قرن را در برمی‌گیرد. با وجود اهمیت حضور زنان در موسیقی قرون اولیه اسلامی، پژوهش مستقلی درباره نقش و دامنه فعالیت آن‌ها به زبان فارسی انجام نشده است.

چشم‌انداز تاریخی-اجتماعی قرون اولیه اسلامی

موسیقی و آواز در زمان خلفای راشدین، به‌جز در موقعیت‌هایی خاص، محدود شده بود. اما با روی کار آمدن امویان، موسیقی احیا شد و به‌تدریج تا زمان عباسیان به اوج شکوفایی خود رسید. با روی کار آمدن خلفای عباسی، جهان اسلام وارد مرحله جدیدی از لحاظ فرهنگ، هنر و علم شد. این نهضت بزرگ فرهنگی بیش از هر چیز در نتیجه نفوذ امیران و سرداران خراسان، که در تقویت بنیان خلافت عباسی مؤثر بودند، به وقوع پیوست. با سر کار آمدن عباسیان، غلبه عنصر ایرانی در جهان اسلام فزونی گرفت. مورخان عصر عباسی را به سه دوره متمایز تفکیک می‌کنند: عصر اول عباسی (۷۵۰-۸۴۷ م)، عصر دوم عباسی (۸۴۷-۱۰۳۱ م) و عصر سوم عباسی (۱۰۳۱-۱۲۵۸ م). عصر اول عباسی، عصر خلفای قدرتمند است. خلفای دوره نخست کوشیدند با تکیه بر دبیران و وزیران ایرانی، که در پیروزی عباسیان سهم بسزایی داشتند، به سازماندهی دولت خود بپردازند؛ از جمله این وزیران، خاندان برمکه- یعنی خانواده خالد برمکی و پسرش یحیی و دو نوه‌اش فضل و جعفر- بودند. نفوذ دانشمندان، وزرا و امرای مقتدر ایرانی در دربار عباسی موجب نهضت دامنه‌داری در فرهنگ اسلامی شد. هنر و فرهنگ و رسوم ایرانی در این دربار و در کشور پهناور اسلامی گسترش یافت و شالوده استوار تمدن اسلامی شد. به همین دلیل، به گفته بسیاری تاریخ‌نگاران، این دوره عصر طلایی اسلام نامیده شده است.

اهمیت موسیقی در جامعه قرون اولیه اسلامی

هنگامی که مسلمانان از جنگ‌ها و کشورگشایی‌های یافتند، قدرت و ثروت حکومت اسلامی به صورت چشمگیری افزایش یافت و توجه خلفا و اقشار مختلف جامعه به موسیقی و سایر هنرها گرایش پیدا کرد. به‌ویژه اینکه خلفای قرون اولیه اسلامی تحت‌تأثیر فرهنگ ایران، و به‌ویژه شاهان ساسانی، از موسیقی‌دانان زمان خود حمایت‌های فراوانی انجام دادند. علاوه بر خلفای اسلامی، که بالاترین جایگاه اجتماعی و سیاسی را به خود اختصاص داده بودند، سایر طبقات جامعه از جمله وزیران، حاکمان ایالت‌های مختلف، افراد سرشناس و حتی مردم عادی جامعه نیز توجه ویژه‌ای به موسیقی داشتند. علاوه بر خلفای اموی و عباسی، طبقات بالای اجتماعی، از جمله وزرا و شاهزادگان، نیز از حامیان موسیقی به‌شمار می‌آمدند. حتی مردم عادی جامعه نیز به شنیدن موسیقی گرایش فراوان داشتند و از شنوندگان جدی موسیقی بودند. علاقه و حمایت طبقات مختلف جامعه قرون اولیه اسلامی از موسیقی و موسیقی‌دانان بی‌نظیر بود که در رأس این حمایت‌ها توجه و پشتیبانی خلفای اسلامی قرار داشت. این حمایت‌ها موجب شکوفایی و رشد موسیقی در این دوران شد. پیشرفتی که سبب شد عصر اول عباسی عصر طلایی موسیقی و شعر نامیده شود.

جایگاه اجتماعی موسیقی‌دانان در قرون اولیه اسلامی

طبقات اجتماعی در قرون اولیه اسلامی چنین دسته‌بندی می‌شدند: ۱. اشراف، ۲. آزادگان، ۳. موالی و ۴. بردگان.

طبقه اشراف شامل خانواده و بستگان خلفای اسلامی می‌شدند. طبقه آزادگان قبیله‌های عرب را تشکیل می‌دادند که اکثریت جامعه عرب بودند. عرب‌ها پس از پیروزی در جنگ‌ها با غرور و قدرت و ثروتی که از فتوحات اسلامی به‌دست آورده بودند اصالت را مخصوص نژاد عرب می‌دانستند و سایر اقوام، از جمله ایرانیان، را پایین‌تر و برده می‌شمردند و آنان را «موالی» می‌خواندند. در عصر اموی، عرب‌ها با موالی در یک ردیف راه نمی‌رفتند و آنان را پست می‌شمردند [۱۴، ص ۲۲۸]. هر ایرانی‌نژاد و هر غیرعرب برای مصون‌بودن از تعرض ناگزیر بود خود را به فرد یا قبیله‌ای از عرب بچسباند و موالی شود و در هر کار، حتی ازدواج فرزندان، از آنان اجازه بخواهد. موالیان به معنای آزادگان غیرعرب بودند. در نتیجه، همه خاندان‌های ایرانی نیز در این طبقه جای می‌گرفتند. در قرون اولیه اسلامی، موسیقی‌دانان، و به‌ویژه زنان موسیقی‌دان، جزء موالی یا کنیزان بودند. بردگانی که پس از اسیری اسلام می‌آوردند، آزاد می‌شدند، ولی به نام موالی تحت حمایت صاحبان اولیه خود می‌ماندند و چون طبق قانون اسلام مسلمان بنده نمی‌شود، این بندگان آزادشده بین بندگی و آزادی وضع ویژه‌ای می‌یافتند.

بنی‌امیه مسلمانان غیرعرب را موالی می‌خواندند. به تدریج، موالی یک طبقه مخصوص شدند و اهمیت و نفوذ پیدا کردند [۱۴، ص ۶۸۶]. بسیاری از موسیقی‌دانان دوره عباسی از کنیزان و غلامان یا موالی بوده‌اند. موالی بودن موسیقی‌دانان بدین معناست که بسیاری از موسیقی‌دانان آن دوره غیرعرب بوده‌اند و به دلیل اینکه جزء خاندان و اشراف قبیله‌های عرب نبوده به بردگی گرفته شده‌اند. امرا و حکام عرب درحالی‌که اغلب از خوانندگان و نوازندگان تجلیل و تشویق می‌کردند، اشتغال به موسیقی را دون شأن خود می‌دانستند و از این جهت بسیاری از شالوده‌گذاران موسیقی عرب در آغاز اسلام ایرانیان اسیری بوده‌اند که در جنگ‌ها به اسارت در آمده و به نام موالی در شهرهای عرب به کارهای سنگین واداشته شده بودند. به‌خصوص در سده اول اسلامی، بیشتر موسیقی‌دان‌ها، یا ایرانی اسیر و فرزند آن‌ها، یا مردم کشورهای بی بودند که تحت نفوذ و هنر موسیقی و تمدن و فرهنگ ایران قرار گرفته بودند.

در قرون اولیه اسلامی، موسیقی منحصرأ در اختیار غلامان نبود، بلکه از طبقات بسیار بالا و اشراف نیز به حرفه موسیقی گرایش یافتند؛ مثلاً یونس کاتب یکی از صاحب‌منصبان عالی‌رتبه در شهرداری مدینه بود [۱۸، ص ۱۳۴]. هرچند اغلب خوانندگان و نوازندگان از قشر برده، یعنی کنیز یا غلام، یا از موالی بودند، ارزش و اعتبار فراوانی در جامعه داشتند. اقشار مختلف جامعه به موسیقی‌دانان با دیده احترام می‌نگریستند و موسیقی‌دانان عزت و احترام داشتند. به‌طور کلی، جامعه این دوران رفتار دوگانه‌ای را با موسیقی پیش می‌گرفت. از یک‌سو موسیقی‌دانان این عصر از جایگاه اجتماعی بسیار بالایی برخوردار شدند و از سوی دیگر نگرش منفی به موسیقی نیز وجود داشت. ابن محرز، ابن عایشه، طویس، غریض، سعید بن مسجح، فریده، فلیح بن العوراء، دحمان، سیاط، یحیی مکی، عاتکه، جمیله، سائب خاثر، سلّامه، حبابه و بسیاری دیگر از موسیقی‌دانان زمان یا از موالی محسوب می‌شدند یا کنیز یا برده‌ای بودند که با حرفه موسیقی توانستند آزاد شوند و جایگاه اجتماعی بالایی کسب کنند.

موسیقی‌دانان از نظر پایگاه اجتماعی تا جایی ارتقا می‌یافتند که می‌توانستند به‌عنوان نزدیکان و حتی ندیم خلیفه در دربار به فعالیت بپردازند. یکی از صفات و ویژگی‌های پادشاهان و خلفا انتخاب ندیمان و تعیین طبقات آن‌ها بود و هر یک از طبقات وظایفی داشتند که می‌توانستند به طبقه بالاتر ارتقا یا اینکه به طبقه پایین‌تر تنزل یابند [۱۱، ص ۲۶-۲۷]. جاحظ آورده است که هارون الرشید به تقلید از اردشیر بابکان موسیقی‌دانان دربار را برحسب درجه و مهارتشان در موسیقی طبقه‌بندی کرده و هر یک را در طبقه‌ای قرار داده بود.^۱ وی ابراهیم موصلی و ابن جامع و منصور زلزل را در طبقه اول قرار داد و موسیقی‌دانان دیگر دربار را در طبقه دوم یا سوم درجه‌بندی کرد [۱۱، ص ۵۰]. حقوق و

۱. این طبقه‌بندی در دربار ساسانیان در ایران باستان مرسوم بود و خلفای عباسیان به تقلید از شاهان ایرانی به این طبقه‌بندی پرداختند.

پاداش هر طبقه هم متناسب با درجه وی بود. اگر به یکی از نوازندگان طبقه اول پاداش هنگفتی می‌رسید، می‌توانست افراد طبقه اول را، که هم‌ردیف وی بودند، و حتی افراد طبقات پایین‌تر را، که زیردست او بودند، در آن پاداش سهیم کند. اما اگر به یکی از افراد طبقات پایین‌تر جایزه‌ای تعلق می‌یافت، نوازندگان درجات بالاتر به آن پاداش طمعی نداشتند [همان]. گاهی اتفاق می‌افتاد که نوازنده‌ای از درجه پایین‌تر به درجه بالاتر ارتقا می‌یافت. هارون الرشید نوازنده‌ای به نام اسحاق برصوما را، که در طبقه دوم موسیقی‌دانان جای داشت، به دلیل اجرای خوب موسیقی‌اش به طبقه اول ارتقا داد [۱۱، ص ۵۴].

جایگاه کنیزان در قرون نخستین اسلامی

پیشینه برده‌داری به دوران باستان بازمی‌گردد، اما میزان رواج آن یا قوانین حاکم بر برده‌داری در هر دوره‌ای متفاوت بوده است. اولین اسناد مربوط به برده‌داری متعلق به دوران سومری‌ها بوده است.

کلمه گیم در متون سومری امروزه به برده ترجمه شده است. این برده‌ها را، که به‌عنوان یک طبقه ضعیف شناخته شده‌اند، در میان مردم بین‌النهرین باید بین کسانی جست‌وجو کرد که توانایی پرداخت مالیات را نداشته‌اند [۹، ص ۱۲].

یونانیان، رومیان، ایرانیان و بیزانس‌ها قوانین مخصوص برده‌داری داشتند. برده‌داری نزد عرب پیش از اسلام، همانند ملت‌های دیگر، مرسوم بود که بردگان آن‌ها شامل اسیران عرب و غیرعرب بودند [۲۳، ص ۲۴]. به‌رغم نهی برده‌داری از طرف دین اسلام، برده‌داری کاملاً منسوخ نشد و در زمان حکومت‌های اموی و عباسی قوانینی برای برده‌داری عنوان شده است. مکی به نقل از کتاب *فقه الامام الرضا* این قوانین را برشمرده است؛ مثلاً «بنده، ملک صاحب خود و جزء ثروت اوست که می‌تواند برای ورثه خود به ارث بگذارد» یا «می‌توان به بنده اجازه داد در مقابل پرداخت مبلغی به صاحب خود، به کسب و کار بپردازد» [۲۱، ص ۸۸]. معاملات برده‌ها در دوره‌های اموی و عباسی بسیار فراوان بود. علاوه بر گرفتن برده در جنگ‌ها، برده گرفتن به‌ازای مالیات و خراج نیز متداول بود [۲۳، ص ۳۱]. در دربار خلفا، برده‌هایی وجود داشتند که به منظور تحکیم روابط دوستانه از سوی حاکمان مسلمان و غیرمسلمان برایشان فرستاده می‌شدند. همچنین اسیران جنگی نیز بین به‌عنوان برده بین جنگجویان مسلمان توزیع می‌شدند.

پسران کنیزان در عصر اموی در موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی مورد تبعیض واقع می‌شدند. شواهد نشان می‌دهد که مادر خلفای اموی به‌ندرت می‌توانستند از کنیزان باشند. عبدالملک، ولید اول و ولید دوم کنیزانی داشتند که پسرانی به دنیا آوردند، اما به‌عنوان خلیفه انتخاب نمی‌شدند. احتمالاً زمینه‌نژادی غیرعرب در این امر تأثیرگذار بوده است. در مروج‌الذهب آمده است که یزید بن ولید اولین خلیفه‌ای بود که مادرش کنیز بود [۲۰، ص ۲۲۹].

آن‌طور که از تاریخ عصر اموی و عباسی درمی‌یابیم، نقش زنان بیشتر در خانه و خانواده شکل گرفته است و غیر از کنیزی و خانه‌داری مشاغل دیگری نداشته‌اند. بردگان زن یا کنیزان وظایفی چون خانه‌داری، چوپانی و نگهداری از گوسفندان را برعهده داشتند و بردگان مرد فعالیت‌هایی چون نگهداری از شتران، جنگجویی و تیراندازی را انجام می‌دادند. گاهی از بردگان به‌عنوان جاسوس سیاسی نیز استفاده می‌شد. ارباب کنیز حق ازدوج با او را داشت و همچنین محق بود که ازدواج کنیز را با یک غلام بدون اجازه آن دو فراهم ببیند [۲۳، ص ۴۸].

کنیزان در جامعه اموی و عباسی نقش‌های هنری و ادبی مهمی را ایفا می‌کردند. دربار خلفا مملو از کنیزان بود و خلفا دوست داشتند به قصه‌های کنیزان گوش بسپارند. کنیزان برای روایت داستان‌ها از آواز و موسیقی نیز بهره می‌گرفتند. آشنابودن کنیزان با موسیقی یک ارزش محسوب می‌شده و در قیمت خرید و فروش آنان بسیار تأثیرگذار بوده است. کنیزان رامشگر با قیمت بسیار بالاتری به فروش می‌رفتند. معامله کنیزان در جامعه اموی و عباسی به یکی از راه‌های کسب درآمد تبدیل شد. بنابراین، در آموزش موسیقی به کنیزان دیدگاهی تجاری وجود داشت. به کنیزان و زنانی که با موسیقی آشنا بودند «قینه» و «مغنیه» گفته می‌شد و در بسیاری روایات با این القاب نام برده شده‌اند. فارمر در این مورد می‌گوید در کنار کنیزان خانه‌دار، گروه دیگری دیده می‌شوند که «قینات» یا «قیان» (از مفرد قینه) نامیده می‌شدند. اینان دختران خواننده‌ای بودند که در میان تقریباً همه خاندان عرب، از هر درجه و مرتبت اجتماعی، یافت می‌شدند [۱۸، ص ۴۰]. به نظر می‌رسد کنیزان خواننده بر مردان ترجیح داده می‌شدند.

کنیزان رامشگر در جامعه اموی موقعیت بالایی را از نظر اعتبار و شهرت و احترام کسب کرده بودند. مردم عادی به ملاقات عزه‌المیلاء و جمیله می‌رفتند و به هنرشان احترام والایی می‌گذاشتند. کنیزان رامشگر در جامعه عباسی نیز موقعیت بالایی داشتند. وقتی بیمار می‌شدند مردم بسیاری به عیادتشان می‌رفتند و هدایای فراوانی برایشان فرستاده می‌شد. کنیزان می‌توانستند دوستان خود را انتخاب کنند و با آن‌ها بیرون بروند؛ حتی که زنان آزاد از آن محروم بودند. حتی غلیه بنت المهدی (دختر المهدی خلیفه عباسی) در انزوای خانه با خدمتکارانش خود را در حبس می‌دید [۲۳، ص ۲۹۲۶]. کنیزان فقط از نداشتن یک آزادی در رنج بودند و آن اینکه نمی‌توانستند از خریدوفروش خود از سوی اربابان رها شوند. برخی از آن‌ها، مانند غریب، مثال برجسته‌ای از کنیز مستقل است. غریب، بانوی موسیقی‌دان عصر عباسی، کنیزی بود که برخلاف رضایت ارباب اولش خانه را ترک و به‌طور پنهانی با شخص دیگری ازدواج کرد. کنیزان در شمار معدودی از خانواده‌ها، که توان اقتصادی درخور توجهی داشتند، ابزاری برای سرگرمی، بازی و تفریح بودند و بیشتر نزد مالک یا در برابر مهمانان او حضور می‌یافتند. کنیزان رامشگر در نهاد خانواده نقشی چندگانه داشتند و غالب اوقات در عین برخورداری از نقش تفریحی، کارکرد تولید مثلی را نیز می‌پذیرفتند [۱۶، ص ۱۱۴].

کنیزان در دربار خلفا نیز جایگاه بالایی داشتند. خلفای هوشیار کنیز زیباروی نگاه نمی‌داشتند، چون از نیرومند شدن آن‌ها واهمه داشتند. معاویه، منصور و عبدالرحمن جزء این خلفا محسوب می‌شدند و اگر هم برای آن‌ها کنیزان زیبا هدیه می‌آوردند، رد می‌کردند [۱۴، ص ۸۹۲]. اما پس از از بین رفتن این سرسلسله‌ها، خوش‌گذرانی در دستگاه خلافت شایع شد و کار به جایی رسید که خلفا در عشق کنیزان حتی جان خود را نیز فدا می‌کردند. چنان‌که یزید بن عبدالملک مرگ حبابه را تاب نیاورد و چند روز پس از مرگ وی فوت کرد [همان]. در عصر عباسی، اگر کنیزان زیبارو بودند و موسیقی می‌دانستند، اختیار فرمانروایی را از خلیفه می‌گرفتند و وزیران نیز کنیزانی را با این مشخصات به خلفا تقدیم می‌کردند تا دارای همه نوع اختیارات شوند. وقتی این کنیزان صاحب فرزند می‌شدند، نفوذشان بیشتر می‌شد. چنان‌که خیزران، مادر هارون الرشید، پس از آنکه فرزند یافت، فرمانروای ممالک اسلامی شد [همان، ص ۸۹۳]. منزلت محبوبه نزد خلیفه متوکل بسیار بالا بود و هیچ‌کس هم‌سنگ او نبود [۲۰، ص ۵۳۲].

خلفا برای خرید کنیزان بهای گزافی می‌دادند. گفته می‌شود هارون کنیزی را به بهای ۱۰۰ هزار دینار و کنیز دیگری را به بهای ۳۶ هزار دینار خریداری کرده بود. یزید بن عبدالملک، خلیفه اموی، سلامه، کنیزک آوازه‌خوان، را به مبلغ ۲۰ هزار دینار خرید [۱۴، ص ۹۸۷]. هارون الرشید چنان به دنانیر کنیزی که یحیی برمکی او را خریده و آزاد کرده بود اظهار علاقه می‌کرد که زوجه‌اش، زبیده، به او حسد می‌ورزید و از این‌رو هارون الرشید به منزل یحیی برمکی می‌رفت تا آواز دنانیر را بشنود [۱۰، ص ۶۹].

آموزش موسیقی و معامله کنیزان

آموزش و پرورش کنیزان یکی از کارهای پرسود آن روزها بود. آموزش موسیقی به کنیزان پیش از اسلام نیز رواج داشت، ولی در جامعه اموی و عباسی به یکی از راه‌های کسب درآمد تبدیل شد. کنیزی را با قیمتی اندک می‌خریدند و پس از آموزش موسیقی با بهای بسیار بالا (بیش از دو برابر کنیزان معمولی) به فروش می‌رساندند. این معامله‌ها در جامعه اموی و عباسی به حرفه‌ای درآمدزا تبدیل شده بود و گاهی موسیقی‌دان‌ها نیز به‌عنوان دلال کنیزان فعالیت می‌کردند. مَعْبَد، موسیقی‌دان عصر اموی، به یکی از کنیزان خود، به نام ظبیه، تعلیم آواز و نوازندگی داد و او را به مردی از اهالی عراق فروخت [۶، ص ۲۵]. دَحْمَان، به رسم سایر موسیقی‌دانان، کنیزان را می‌خرید و تعلیم می‌داد و به بهای گزاف می‌فروخت [همان، ص ۶۳۱]. یکی از موسیقی‌دانان مشهور عصر عباسی، که به معامله کنیزان از طریق آموزش موسیقی می‌پرداخت، ابراهیم موصلی بود [همان، ص ۵۰۲]. ابراهیم موصلی کنیزی را تعلیم موسیقی داد و با فروش آن به هارون الرشید سود بسیاری برد [همان، ص ۵۱۴]. به گفته اسحاق موصلی، فرزند ابراهیم، در گذشته موسیقی را فقط به کنیزان زردپوست یا سیاه‌پوست تعلیم می‌دادند و

ابراهیم موصلی برای نخستین بار از دختران سفیدروی خواننده و نوازنده ماهر تربیت کرد [همان، ص ۵۱۸]. او منزلت کنیزان آوازخوان را بسیار بالا برد. کنیزان موسیقی دان، علاوه بر خریدوفروش، به عنوان هدیه نیز پیشکش داده می شدند.

خلفا، وزیران و بزرگان مبالغ بسیار گزافی را برای خرید کنیزان مصرف می کردند. دحمان کنیزی را تعلیم موسیقی می داد و باهم به اجرای موسیقی می پرداختند. سپس خلیفه ولید بن یزید کنیز را از او خریداری می کرد [۶، ص ۶۳۴-۶۳۶]. فضل بن یحیی برمکی آواز کنیزی سیاه از مردم حجاز را شنید و او را از صاحبانش خریداری کرد و می گفت آوازش را دلچسب تر از خواننده های دیگر یافته است [همان، ص ۶۳۷].

کنیز تعلیم ندیده با قیمت پایین فروخته می شد، اما با آموزش او بیشتر از دو برابر آن به دست می آمد. قیمتی که برای کنیز پرداخت می شد نه برای خود کنیز، بلکه برای شهرت و استعداد های موسیقی و ادبی اش بود. سخنوری و مهارت های فکری، ادبی و موسیقایی مهم تر از زیبایی کنیزان بود. مأمون درخواست خرید کنیزی را داشت که بتواند قافیه شعری را که مأمون می سراید بسازد؛ اگر چه زیباروی نباشد [۲۳، ص ۱۱۹]. توجه یک شاعر در شعرش به کنیزی خاص یکی از روش های مؤثر تبلیغاتی برای آن کنیز محسوب می شد؛ مثلاً، هارون الرشید تصمیم به خریداری کنیزی کرد که در شعر شاعری از او نام برده شده بود [همان، ص ۱۳۳]. اگر چه آموزش موسیقی و شعر و آواز مهم ترین حوزه های آموزشی برای کنیز بودند، آموزش های دیگر مانند بازی شطرنج، چوگان و سوارکاری و غیره نیز جزء برنامه های آموزشی کنیزان به شمار می رفت. برخی اربابان کنیزان را به عنوان منشی استخدام می کردند [همان، ص ۱۳۸]. برخی کنیزان نیز آموزش های مذهبی می دیدند و حدیث روایت می کردند و قرآن تلاوت می کردند [همان، ص ۱۴۰]. برخی کنیزان نیز برای میخانه ها آموزش می دیدند.

جنبه های مختلف نقش کنیزان در پیشبرد موسیقی

پیامد آموزش موسیقی و معامله کنیزان را می توان در نقش کنیزان بر پیشبرد موسیقی آن روزگار پیگیری کرد. دختران خواننده و نوازنده در قرون اولیه اسلامی از جهات مختلفی بر حیات موسیقایی زمان خود تأثیرگذار بودند. آن ها در کنار مردان گام مهمی در پیشبرد موسیقی برداشتند. در اینجا به تحلیل جنبه های مختلف نقش کنیزان در حیات موسیقایی آن روزگار می پردازیم.

۱. نقش کنیزان در آموزش موسیقی: تعلیم از موسیقی دانان و انتقال به دیگران

کنیزان نزد استادان مختلف آموزش موسیقی می دیدند. مقوله آموزش موسیقی و شیوه های صحیح آن در قرون اولیه اسلامی موضوع بسیار مهمی در جامعه موسیقایی آن زمان محسوب می شد. هر

فردی که می‌خواست به صورت جدی حرفه موسیقی را دنبال کند، باید نزد استادان بزرگ زمان تعلیم موسیقی می‌دید و دختران کنیز نیز از جمله این افراد بودند. گاهی کنیزانی مانند غریب برای آموختن شعر و موسیقی به شهرهایی دیگر سفر می‌کردند. ابراهیم موصلی، موسیقی‌دان مشهور عصر عباسی، در خانه خود هنرستانی داشت که دختران را تعلیم آواز و عودنوازی می‌داد و اشراف بغداد دختران و کنیزان خود را نزد وی می‌فرستادند [ص ۵۰۲]. متیم هشامیه، بانوی نوازنده و خواننده، نزد ابراهیم موصلی، اسحاق موصلی و سایر مغنیان هم‌طبقه آن‌ها کسب هنر کرد. ابتدا بدل، کنیزکی خواننده و نوازنده، تعلیم و تربیت او را برعهده گرفت. سپس علی بن هشام او را خرید و متیم از مغنیان بزرگ، که نزد وی رفت‌وآمد می‌کردند، هنرهای بیشتری کسب کرد [همان، ص ۸۱۰]. سلامه در عصر اموی نزد موسیقی‌دانان مختلفی همچون جمیله، معبد، ابن عایشه، مالک بن ابی‌السمح و دیگران تعلیم موسیقی گرفت [ص ۸۹].

کنیزان آموزش حرفه‌ای می‌دیدند و خود را به یک استاد خاص محدود نمی‌کردند، بلکه نزد استادان مختلف شاگردی می‌کردند. مکاتب مختلف موسیقی و آواز در دوره اموی و عباسی وجود داشت. ابراهیم موصلی خانه‌اش را به مؤسسه‌ای برای آموزش به کنیزان تبدیل کرده بود. منزل او فقط مکانی برای تدریس و کلاس نبود، بلکه مکانی برای جا دادن و مراقبت از کنیزان نیز بود. او غذا، لباس و لوازم مورد احتیاج دیگر را برایشان فراهم می‌کرد. گفته می‌شود او علاوه بر کنیزان خود و دیگر شاگردانش، هم‌زمان هشتاد کنیز نیز برای آموزش داشت [ص ۱۱۸]. خوانندگان طراز اول شوراها و انجمن‌هایی از کنیزان تشکیل می‌دادند و به آن‌ها آموزش می‌دادند و راهنمایی‌شان می‌کردند. شماری از این انجمن‌ها مانند جلسات ابراهیم موصلی و دنانیر، شاگردش، باارزش محسوب می‌شوند.

دلایان یا اربابان منزل خود را برای مردم، و به‌ویژه برای شاعران و موسیقی‌دانان، باز می‌گذاشتند تا کنیزان با مردم فرهیخته مصاحبت کنند و از این طریق نیز آموزش ببینند. منزل علی بن هاشم پر از جمعیت موسیقی‌دانان مشهور بود که کنیزش، متیم، از آن‌ها می‌آموخت [همان، ص ۱۳۲]. به این طریق، دانش کنیزان افزایش می‌یافت. از سوی دیگر، ملاقات‌کنندگان شاعر یا خواننده از هوش و استعداد کنیزان مطلع می‌شدند و شاید آن‌ها را خریداری می‌کردند. خلیفه‌المقتدر به منظور ارتقای آموخته‌های کنیزانش از موسیقی‌دانان زمان دعوت به عمل می‌آورد. ابراهیم بن ابی‌العَبَّاس، ابراهیم بن قاسم، جعفر جحظه و وصیف زامر در این دعوت‌ها حاضر می‌شدند. این مجالس اغلب به خواهش کنیزانش تشکیل می‌شد تا آوازهای جدید مغنیان را تعلیم بگیرند و هر یک را می‌پسندیدند برای یادگیری انتخاب کنند. مقتدر با کنیزان پشت پرده می‌نشست و هر وقت آوازی پیشنهاد می‌کرد خدمتکاران نزد نوازندگان می‌رفتند و امر او را ابلاغ می‌کردند. وقتی هم مجلس تمام می‌شد، به هر یک از هنرمندان جایزه مناسبی می‌دادند [ص ۵۴۶].

آموزش موسیقی به صورت موروثی و خانوادگی نیز رواج داشت و برخی از بانوان موسیقی‌دان نزد پدر یا مادر خود به تعلیم موسیقی می‌پرداختند. دختر ابن سریق آوازهای پدرش را می‌خواند و طبق روایتی بر بستر مرگ ابن سریق، دخترش برای پدر آواز خواند و ابن سریق وقتی مطمئن شد دخترش به خوبی از عهده برمی‌آید، گفت: «همان‌طور که می‌خواستم شده‌ای و مرگ را بر من آسان نمودی...» [همان، ص ۱۰۳-۱۰۴]. از موسیقی‌دانان زن مشهور می‌توان از عاتکه نام برد که موسیقی را نزد مادرش، شهیده، آموخته بود [همان، ص ۶۹۷].

۱-۱. کنیزان به عنوان معلمان موسیقی

از مظاهر جایگاه بالا و توانمندی زنان در موسیقی قرون اولیه اسلامی، نقش آنان در آموزش و تربیت موسیقی‌دانان نسل خود است. کنیزان علاوه بر خوانندگی و نوازندگی به امر آموزش موسیقی نیز اشتغال داشتند. آن‌ها وقتی به استادی می‌رسیدند، به امر آموزش مشغول می‌شدند و شاگردان زیادی را تربیت می‌کردند. بسیاری از زنان موسیقی‌دان عصر اموی و عباسی، مانند جمیله و عاتکه، از راه آموزش موسیقی کسب درآمد می‌کردند و ثروت بسیاری از طریق آموزش موسیقی به دست می‌آوردند. جمیله، بانوی موسیقی‌دان عصر اموی، منزل خود را در مدینه به هنرستانی برای آموزش موسیقی تبدیل کرده بود و موسیقی‌دانانی چون معبد، ابن عایشه، حبابه و سلامه از شاگردان معروف وی بودند. حضور و تأثیر وی در آموزش موسیقی به اندازه‌ای بود که معبد درباره استادش گفته است: «اگر جمیله نبود، ما مغنی نمی‌شدیم» [۷، ص ۵۷]. جایگاه معلمی زنان و کنیزان و کسب درآمد آن‌ها از این طریق از مسائل مهم اجتماعی-موسیقایی این دوره از تاریخ است. این در حالی است که زنان در این دوره در مشاغل بسیار محدودی، مانند ندیمه و کنیز، در داخل خانه‌ها می‌توانستند فعالیت داشته باشند.

۲-۱. آموزش به کنیزان دیگر

بانوان و کنیزان وقتی در موسیقی تبحر پیدا می‌کردند، به کنیزان دیگر آموزش موسیقی می‌دادند. سلامه و حبابه، دو خواهر موسیقی‌دان زمان اموی، از جمیله تعلیم موسیقی گرفتند [همان، ص ۹۷]. عاتکه کنیزان مروانی را در مکه تعلیم موسیقی می‌داد [۶، ص ۷۰۰]. در روایات آمده است مردی از اهالی اهواز کنیزی به نام ظبیه از معبد، موسیقی‌دان زمان اموی، خریداری کرد تا به کنیزان دیگر وی موسیقی آموزش دهد [همان، ص ۲۵]. متیم در خانه خود به کنیزان علی بن هشام موسیقی آموزش می‌داد [همان، ص ۸۱۰].

۳-۱. آموزش به مردان

شاگردی کردن مردان نزد استادان زن موسیقی‌دان موضوع درخور توجهی است که در جامعه مردسالار آن زمان رایج بود. از آن جمله می‌توان به عاتکه اشاره کرد که معلم موسیقی اسحاق موصلی، بزرگ‌ترین موسیقی‌دان زمان عباسی، محسوب می‌شد. عاتکه معلم موسیقی مخارق نیز

بود. مخارق برده عاتکه بود که از او تعلیم خوانندگی و نوازندگی می‌گرفت و سپس در سلک غلامان هارون‌الرشید درآمد [همان، ص ۷۰۰-۷۱۰]. مادر عاتکه شهده نام داشت که از کنیزان ولید بن یزید بود و به افراد مختلفی تعلیم موسیقی می‌داد و طبق روایات به‌جا مانده محمد بن داوود، خواننده دربار هارون‌الرشید، موسیقی را از شهده فراگرفته بود [همان، ص ۶۹۹]. اسماعیل بن هرید از خوانندگان دیگر دربار هارون‌الرشید تعریف می‌کرد آوازش را از کنیزی در راه تعلیم گرفته است [همان، ص ۷۶۴]. همچنین، می‌توان از عزه‌المیلاء، بانوی موسیقی‌دان در زمان اموی، نام برد که هنرمند بزرگی چون ابن سریج را پرورش داد. ابن محرز، از دیگر موسیقی‌دانان عصر اموی، هروقت به مدینه می‌رفت، سه ماه می‌ماند و نزد عزه‌المیلاء عود زدن را مشق می‌کرد و دوباره به مکه بازمی‌گشت [همان، ص ۱۳۰]. سائب خاثر، از موسیقی‌دانان مهم دیگر عصر اموی، موسیقی را از کنیزان چنگ‌نواز در مدینه آموخته بود [ص ۷، ۷۸]. ابن جامع، موسیقی‌دان زمان عباسی، آوازی را از کنیزی در مدینه آموخته بود [ص ۲۳، ۷۱]. نمونه‌های فراوانی از این مثال‌ها موجود است که نقش پررنگ کنیزان را در عرصه آموزش موسیقی و به تبع آن در تأثیرگذاری آنان بر حیات موسیقایی زمان خود آشکار می‌کند.

۲. انتشار ساخته‌های موسیقی‌دانان

کنیزان در عصر اموی و عباسی راویان مهم موسیقی بودند که ساخته‌های آهنگ‌سازان را در جامعه روایت می‌کردند. آن‌ها نقش رسانه را در انتشار ساخته‌های موسیقی‌دانان ایفا می‌کردند. موسیقی‌دانان مشهور ساخته‌های خود را به آن‌ها آموزش می‌دادند تا کنیزان آن ساخته‌ها را در جامعه منتشر کنند. مردم از طریق کنیزان می‌توانستند با آثار جدید آهنگ‌سازان آشنا شوند. ابراهیم موصلی برای این منظور دنانیر را داشت و ابراهیم بن المهدی نیز شاریه را به خدمت گرفته بود. ابن محرز آوازهای خود را به کنیز یکی از دوستانش آموزش می‌داد و مردم آهنگ‌های ابن محرز را از طریق آن کنیز می‌شنیدند و به ذهن می‌سپردند. ابن محرز نیز پولی که از حرفه موسیقی به دست می‌آورد به صاحب آن کنیز پرداخت می‌کرد [ص ۶، ۱۳۱].

از سوی دیگر، برخی از افراد جامعه به دلیل بالابودن شأن و موقعیت اجتماعی خود یا خانواده‌شان نمی‌خواستند به‌عنوان خواننده و آهنگ‌ساز شناخته شوند. از آنجا که قریحه موسیقی داشتند، برای جلوگیری از شهرت و نسبت دادن ساخته‌های خود، راه حل خوبی به منظور سرکوب‌کردن استعداد خود یافته بودند. آن‌ها ساخته‌های خود را به کنیزان آموزش می‌دادند تا بین مردم منتشر کنند. مردم عادی فکر می‌کردند این آثار از ساخته‌های کنیزان است. از افراد سرشناسی که چنین کاری را انجام می‌دادند می‌توان از عبدالله بن طاهر، خدیجه بنت مأمون، غلیه بنت‌المهدی و ابراهیم بن مهدی نام برد [ص ۲۳، ۱۲۹]. شاهزاده ابراهیم بن مهدی، برادر هارون‌الرشید، از موسیقی‌دانان مهم عصر عباسی به شمار می‌آید. وی به دلیل

جایگاه اجتماعی خاصش، که جزء طبقه اشراف محسوب می‌شد، ساخته‌های موسیقی خود را به نام کنیزانش، شاربه و ریق، منسوب می‌کرد تا طعن و نقدی متوجه شخص وی نشود. به همین دلیل تعداد ساخته‌های اندکی از او به جا مانده بود [۷، ص ۲۶۳].

۳. کنیزان به‌عنوان موسیقی‌دانان توانمند و خلاق

کنیزان علاوه بر اجرای آثار آهنگ‌سازان، خود نیز در موسیقی استعداد‌های ویژه‌ای داشتند و گاهی به استادان مهم زمان تبدیل می‌شدند. موسیقی‌دانان مشهوری چون جمیله، عزه‌المیلاء، خبابه، سلّامه، غریب، شهده و عاتکه جزء این کنیزان بودند. کنیزان گاهی در آهنگ‌سازی ساخته‌های نو و بدیع داشتند و موسیقی‌دانان دیگر از آن‌ها وام می‌گرفتند. گاهی در نوازندگی و خوانندگی تبحر فراوانی داشتند و گاهی در سرودن شعر. غریب مأمونیه بانویی شاعر، خواننده و عودنواز بود و به قدری نزد مأمون عزیز بود که به نام او منسوب شد. گفته می‌شود در عمر خود هزار آواز در موسیقی تألیف کرده بود [۶، ص ۶۲۵]. هرچند هزار آواز رقمی مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد، می‌توان به استعداد بالا و توانمندی وی در آهنگ‌سازی پی برد. شمار آوازهای غلیّه را پنجاه و چند و به روایت دیگر هفتاد و چند آواز ذکر کرده‌اند [۷، ص ۲۸۰]. هارون الرشید، که از موسیقی بسیار حمایت می‌کرد، به موسیقی‌دانان دربار فرمان داد صد آواز را میان همه ترانه‌های عرب گزینش کنند. یکی از صد آواز برتر داوران، از ساخته‌های عاتکه، دختر شهده، بود [۶، ص ۶۹۷] که بیانگر استعداد بالای موسیقی‌دانان زن در این دوره است. شاجی، کنیزک عبیدالله بن عبدالله بن طاهر، نیز به‌عنوان آهنگ‌ساز قطعاتی شهرت داشت [۷، ص ۱۲۰-۱۲۱].

در مورد توانمندی زنان در حوزه نوازندگی نیز روایت‌های مختلفی موجود است. طبق روایتی از *الاعانی*، روزی نزد خلیفه الواثق مناظره‌ای در مورد ماهرترین استادان عودنوازی در گرفت و ملاحظ، بانوی عودنواز، در این مسابقه با منصور زلز، نوازنده بزرگ عود، به رقابت پرداخت [۶، ص ۵۸۵]. اسحاق موصلی تنبورنوازی عبیده را تحسین می‌کرد [۲۳، ص ۱۹۶]. برخی، مانند غریب، خواننده درجه اول به‌شمار می‌آمدند. موسیقی‌دانان زن همچنین گروه‌های هم‌نوازی تشکیل می‌دادند. جمیله، موسیقی‌دان بزرگ عصر اموی، گروهی از کنیزان تشکیل داده بود که باهم عود می‌نواختند [۷، ص ۶۳-۶۵]. کنیزانی که به استادی می‌رسیدند گروه‌های موسیقی تشکیل می‌دادند و کنیزان جوان‌تر به آن‌ها می‌پیوستند. غریب و شاربه در عصر عباسی هریک گروه موسیقی خودشان را داشتند.

برخی توانایی منحصربه‌فردی در تقلید از موسیقی‌دانان دیگر داشتند. دنانیر استعداد خاصی در کپی کردن آثار ابراهیم موصلی داشت. او نه تنها برای آواز و آهنگ‌سازی، بلکه به دلیل کپی از خواننده‌های دیگر نیز هدایای فراوانی دریافت می‌کرد. برخی کنیزان در موقعیت سوگواری مرثیه‌خوانی یا نوحه‌خوانی می‌کردند. در دوره عباسی، گروهی از کنیزان بودند که مخصوص این کار بودند و آموزش می‌دیدند و برای شرکت در سوگواری‌ها خرید می‌شدند. متیم هشامیه یکی

از نوحه‌خوانان مشهور بود [۲۳، ص ۲۰۵]. ممکن بود برخی از زنان آزاد نیز نوحه‌خوانی کنند [همان، ص ۲۰۶].

موضوع درخور توجه دیگر، تحسین موسیقی کنیزان از جانب موسیقی‌دانان بزرگ است. اسحاق موصلی، موسیقی‌دان بزرگ عصر عباسی، با شنیدن آواز مُتیم او را با خود برابر دانست [همان، ص ۱۹۳]. همچنین، اسحاق موصلی، استاد خود، عاتکه، را بر سایر مغنیان مقدم می‌شمرد و او را تحسین می‌کرد [۶، ص ۶۹۸]. برخی خوانندگان تأیید می‌کردند که کنیزان با استعدادتر از خودشان هستند. از عبدالله بن عباس الربیع پرسیدند بهترین خواننده معاصر او چه کسی است و او پاسخ داد: اسحاق، علیه، مُتیم و خودم [۲۳، ص ۱۹۳].

جمیله^۱ بانویی از موالی بود که استاد مسلم خوانندگی، نوازندگی و آهنگ‌سازی در حجاز عصر اموی محسوب می‌شد. در مورد جایگاه بالای اجتماعی جمیله نکات درخور توجهی در *الآغانی* روایت شده است. نقل شده است که جمیله برای آوازخواندن و مجالس موسیقی جایی نمی‌رفت و هر کس علاقه‌مند به شنیدن آواز او بود باید نزد او می‌رفت [۷، ص ۶۵]. از این موضوع این‌گونه دریافت می‌شود که جمیله جایگاهی بالا برای خود و هنرش قائل بوده و این موضوع نیز مورد پذیرش مردم قرار گرفت و مشتاقان هنر او همیشه در منزلش حضور می‌یافتند و شأن و منزلت وی را به‌عنوان هنرمند به رسمیت می‌شناختند. این روایت هم قدرت و ارزش بالای زن موسیقی‌دان را در آن جامعه نشان می‌دهد و هم توانمندی وی را در هنر موسیقی آشکار می‌کند.

۴. گسترش موسیقی و آواز در جامعه

از نقش‌هایی که کنیزان در حوزه موسیقی در جامعه قرون نخستین اسلامی داشتند، کمک به فراگیر شدن و گسترش موسیقی در جامعه به انحای مختلف بود. داستان‌های فراوانی نقل شده است که بیانگر محبوبیت بانوان موسیقی‌دان در جامعه اموی و عباسی است. بی‌شک، این محبوبیت از طریق فعالیت‌های موسیقایی این بانوان در جامعه آن روزگار کسب شده بود. این افراد نقش بسیار مهمی در گسترش موسیقی بین اقشار مختلف داشتند و نزد طبقات مختلف جامعه محبوبیت بالایی داشتند.

روایت شده است که جمیله روزی را برای تشکیل مجلس موسیقی اعلام کرد و خانه‌اش پر از مردان و زنان اشراف، موسیقی‌دان، شاعر و مردم عادی شد. این مجلس تا سه روز ادامه یافت و سایر موسیقی‌دانان بزرگ یکی بعد از دیگری آواز خواندند و عود نواختند. روز سوم ویژه جمیله، کنیزانش و سایر بانوان رامشگر بود. در آن روز، جمیله، عزه المیلاء، حبابه، سلامه،

۱. چون ولاء جمیله به بنی سلیم می‌پیوست، او را سلیمه نیز می‌گفتند. سپس با یکی از موالی بنی الحارث بن خرج ازدواج کرد. او را مولا انصار نیز می‌خواندند [۷، ص ۱۵۷].

خَلِيدَه، عُقِيلَه، شَمَاسِيَه، فرعه، بلبله، لذه العيش و سَعَدَه وزرقاء بهترين آوازها را به گوش مهمانان و اهل مدینه رساندند. گفته‌اند هرگز مجلسی و برنامه‌هایی بهتر از آنچه در این سه روز اجرا شد دیده نشده بود [همان، ص ۶۷-۶۸]. چنین روایت‌هایی علاوه بر اینکه توانایی بالای بانوان موسیقی‌دان را آشکار می‌کند، شوق و علاقه فراوان جامعه و طبقات مختلف اجتماعی را نسبت به موسیقی بیان می‌کند. روایت دیگر مربوط به مهاجرت سلامه از مدینه است. گفته می‌شود هنگامی که فرستادگان یزید بن عبدالملک به مدینه آمدند و به مبلغ ۲۰۰ هزار دینار او را خریداری کردند، بسیاری از مردم به بدرقه سلامه رفته بودند و اشک می‌ریختند و وی هنگام وداع برای مردم شهر آواز خواند و عود نواخت [همان، ص ۹۵-۹۶]. این روایت‌ها حاکی از محبوبیت فراوان کنیزان موسیقی‌دان در جامعه آن روزگار است. داستانی در مروج‌الذهب نقل شده است که در عصر اموی مردی از عراق تا مدینه سفر کرد تا آواز کنیزی را بشنود که متعلق به قاضی مدینه بود [۲۰، ص ۱۹۱]. چنین روایت‌هایی که حاکی از اشتیاق مردم جامعه به موسیقی کنیزان و همچنین نقش کنیزان در گسترش موسیقی بوده، فراوان است.

۵. رقابت بین کنیزان و ایجاد گروه‌های طرفدار

در چنین فضای پویای موسیقایی، موسیقی‌دانان اغلب باهم به رقابت می‌پرداختند و این رقابت‌ها گاهی به دشمنی نیز منجر می‌شد. این موضوع شامل حال موسیقی‌دانان مرد و زن می‌شد. کنیزان زن نیز همانند مردان گاهی به رقابت‌های سرسختانه باهم می‌پرداختند، مانند رقابتی که بین غریب و شاریه وجود داشت. رقابت‌های سلامه و حبابه نیز شهرت یافته بود که به عداوت آن‌ها انجامید [۷، ص ۹۶-۹۷].

رقابت شاریه و غریب به نزاع‌ها و اختلافاتی دامن زد و هریک طرفدارانی بین مردم یافته بودند. شاریه بیشتر در آواز و خوانندگی شهرت داشت و غریب در آهنگ‌سازی و نقد. گفته می‌شود مردم سامرا به دو گروه طرفدار غریب و شاریه تقسیم می‌شدند [۲۳، ص ۱۸۷]. غریب بحث‌ها و نقدهایش را در میان افراد عادی انجام نمی‌داد، بلکه شخصیت‌های مهم مانند خلیفه‌المتوکل شاهد بحث‌های او و دیگر موسیقی‌دانان زمان بودند [همان، ص ۱۸۹].

اشتغال زنان طبقات بالای جامعه به موسیقی

بانوان طبقه اشراف و خاندان خلفا نیز از موسیقی بی‌بهره نبودند. علیّه، خواهر هارون‌الرشید، بانویی شاعر، خواننده، نوازنده و آهنگ‌ساز بود. طبق روایات، علیّه با برادرش، ابراهیم، آواز می‌خواندند و مأمون در حرم صدایشان را می‌شنید [۷، ص ۲۶۸]. هارون‌الرشید، که حامی مهم موسیقی در جامعه عباسی بود، از اینکه خواهرش به موسیقی می‌پرداخت خشنود نبود. در روایتی آمده است که شبی هارون‌الرشید از آواز کنیزی خوشش آمد و پس از اینکه پی برد

آهنگ‌ساز آن اثر خواهرش، علیّه، است، برافروخته شد و مجلس را ترک کرد [۶، ص ۵۴۱-۵۴۳]. این مخالفت هم زمینه‌های مذهبی داشت و هم زمینه‌های اجتماعی. هارون الرشید، مأمون و المعتصم نمی‌خواستند مردم بدانند که علیّه خواننده است، زیرا شاهزاده بود و آن‌ها موسیقی را تنزل موقعیت او می‌دانستند که به موقعیت اشرافی‌اش آسیب می‌زد. درباره خدیجه، دختر مأمون، هم همین‌طور بود [۲۳، ص ۱۶۸]. با این حال، مشاهده می‌کنیم که طبقه اشراف نیز به موسیقی گرایش داشتند و حتی برخی از خلفا، مانند ولید بن یزید، خلیفه اموی و خلیفه الواثق، خلیفه عصر عباسی، با موسیقی آشنایی داشتند و خود موسیقی‌دان محسوب می‌شدند.

بانوان طبقه بالای اجتماعی معمولاً شب‌نشینی‌های موسیقایی ترتیب می‌دادند. علیّه بنت المهدي و خدیجه بنت المأمون از مثال‌های برجسته در این مورد هستند. اگرچه خدیجه بنت المأمون در آواز و آهنگ‌سازی شهرت زیادی ندارد، شماری از اشعارش در *الاعانی* موجود است و روایت‌هایی وجود دارد که کنیزانی مانند شاریه ساخته‌های او را برای خلیفه متوکل می‌خواندند [۲۳، ص ۱۵۷].

می‌توان گفت امرا و خلفای اسلامی در حالی که از خوانندگان و نوازندگان تجلیل و تشویق می‌کردند، اشتغال به موسیقی را دون شأن خود می‌دانستند. به‌طور کلی، جامعه این دوران رفتار دوگانه‌ای را با موسیقی پیش می‌گرفت. از یک‌سو موسیقی‌دانان این عصر از جایگاه اجتماعی بسیار بالایی برخوردار شدند و از سوی دیگر نگرش منفی به موسیقی نیز وجود داشت. این رفتار دوگانه را می‌توان در اشتغال زنان طبقات بالای اجتماعی به موسیقی نیز مشاهده کرد. بانوان آزاد و شاهزاده با موسیقی آشنایی داشتند، ولی از آنجا که موسیقی حرفه‌ای بود که کنیزان به آن مشغول بودند، اشتغال بانوان طبقات بالا و شاهزادگان به موسیقی دون شأن اجتماعی و خانوادگی آن‌ها محسوب می‌شد.

نظریه پردازی در موسیقی: حوزه مردانه

با اینکه بانوان موسیقی‌دان در حوزه‌های مختلف موسیقی همچون خوانندگی، نوازندگی، آهنگ‌سازی و حتی سرودن شعر فعالیت داشتند، به نظر می‌رسد کمتر وارد مباحث نظریه‌پردازی‌های موسیقایی می‌شدند. نمی‌توان گفت این امر به دلیل عدم سواد و دانش موسیقایی آن‌ها بوده است، زیرا افرادی باسواد بودند و با شعر و ادبیات نیز آشنایی داشتند. در جلسات مناظره موسیقایی، گاهی موسیقی‌دانان زن، مانند عریب، نیز در مباحثات شرکت می‌کردند، ولی به تألیف کتاب در این زمینه نمی‌پرداختند. در عصر اموی و عباسی، آثار مکتوبی در موسیقی نگاشته شده که از آثاری که به جا مانده می‌توان به کتاب *اللهو والملاهی* [۱]، رساله

فی‌الموسیقی ابن منجم [۵] و رسالات موسیقی اسحاق الکندی [۱۹] اشاره کرد.^۱ پس از عصر اول عباسی نیز، دانشمندان مهمی همچون فارابی [۱۷]، ابن سینا [۳؛ ۴] و ابن زبیل [۲] به تشریح مباحث علمی موسیقی پرداختند و کتاب‌های مهمی در موسیقی نظری به جا گذاشتند. اما در میان بانوان موسیقی‌دان، فردی را سراغ نداریم که در موسیقی اثر مکتوب موسیقی مهمی به جا گذاشته باشد. از این رو، به نظر می‌رسد نظریه‌پردازی در موسیقی به دلیل ویژگی فنی و تخصصی تری که داشت، حوزه‌های مردانه به شمار می‌رفت. حتی در میان مردان موسیقی‌دان نیز افرادی اندک به این حوزه می‌پرداختند که دلیل آن را می‌توان در پیچیدگی‌های تخصصی این حوزه دانست و هر فردی دانش کافی برای تألیفات نظری در موسیقی و به‌طور کلی تألیفات در سایر علوم را نداشته است. بنابراین، طبیعی است که کنیزان رامشگر توانایی ورود به این حوزه را نداشتند. می‌توان گفت حوزه‌های خوانندگی، نوازندگی، آهنگ‌سازی و شاعری حوزه‌های زنانه و مردانه محسوب می‌شدند، ولی نظریه‌پردازی موسیقی حوزه‌های مردانه به‌شمار می‌رفت. چنین تفکیکی دلایل اجتماعی نداشته، بلکه دلایل علمی و تخصصی داشته است.

تناقض در موقعیت اجتماعی کنیزان

با مطالعه جایگاه کنیزان موسیقی‌دان در قرون نخستین اسلامی، شاهد نوعی تضاد و دوگانگی در موقعیت اجتماعی آنان هستیم. کنیزان از یک‌سو با آموزش موسیقی به جایگاه بالای اجتماعی می‌رسیدند و گاه همانند شاهزادگان شهرت و ثروت فراوانی کسب می‌کردند و با اشراف و شاعران بزرگ رفت‌وآمد می‌کردند. این موضوع هم به واسطه مهارتشان در موسیقی و هم بیانگر اهمیت و جایگاه بالای موسیقی در جامعه آن روزگار بود. اما از سوی دیگر، همچنان در طبقه کنیزان قرار داشتند. هرچند ممکن بود از تملک ارباب خود آزاد شوند، به دلیل پیشینه خانوادگی خود از نظر اجتماعی هم‌پایه زنان آزاد و زنان طبقات بالای جامعه محسوب نمی‌شدند.

کنیزان پدیده خاصی را به موسیقی زمان نیفزودند و تغییر اساسی در تاریخ موسیقی اسلام ایجاد نکردند، بلکه به‌عنوان خوانندگان و نوازندگان درجه اول ساخته‌های خود یا آهنگ‌سازان دیگر را اجرا می‌کردند. باین‌حال، نمی‌توان انکار کرد که موسیقی دوره اموی و عباسی و ام‌دار این کنیزان رامشگر است. نقش آن‌ها را باید در حفظ و انتشار آوازه‌ها و مهم‌تر از همه خلق فضای موسیقایی و ایجاد و افزایش اشتیاق موسیقایی در جامعه جست‌وجو کرد.

۱. اسحاق موصلی نیز چندین کتاب در موسیقی نگاشته که مفقود شده‌اند، ولی از منابع کتاب *الغانی* بودند که در قرن چهارم هجری نگاشته شد و ابوالفرج اصفهانی در کتاب *الغانی* به مباحث نظری موجود در کتاب‌های اسحاق موصلی اشاره کرده است [۶، ص ۵۷۹].

نقش کنیزان در شعر و ادبیات

کنیزان، علاوه بر موسیقی، نقش درخور توجهی در شعر و ادبیات عرب ایفا کردند. آن‌ها به‌عنوان پس‌زمینه اجتماعی تأثیرات مهمی بر ادبیات گذاشتند. یکی از این موارد توجه به کنیزان در اشعار شاعران بود که به ذائقه ادبی جامعه قرون اولیه اسلامی تبدیل شده بود. هر شخصی که در جامعه عباسی شعر می‌سرود به کنیزان در اشعارش توجه می‌کرد، حتی خلفایی مانند المهدی، هارون الرشید و مأمون اشعاری برای کنیزانشان سرودند [۲۳، ص ۲۰۸]. نام زن‌های آزاد در اشعار نمی‌آمد و فقط نام دختران کنیز، مانند عبده و عنان، می‌توانست در شعر شاعران حضور داشته باشد. سعدالرشید در این باره معتقد است توجه به کنیزان در شعر باعث ایجاد حسادت نمی‌شد، درحالی‌که شاعران جرئت نداشتند در شعرشان نامی از زنان آزاد ببرند. همچنین زنان آزاد در انزوای کامل به سر می‌بردند و اجازه حضور آزادانه در جامعه را نداشتند. موضوع دیگر اینکه حضور کنیزان در جامعه برای مردان شاعر نوعی تازگی و نوظهوری داشت و کنیزان می‌توانستند الهام‌بخش شاعران برای سرودن شعر شوند [همان، ص ۲۱۱]. همچنین، اکثر کنیزان تحصیل کرده بودند و حداقل می‌توانستند شعر شاعران را درک و تقدیر کنند [همان، ۲۱۲]. از طرف دیگر، شعر برای کنیزان نیز مهم بود چون دست‌مایه آوازهایشان بود. آن‌ها در ساخته‌های خود از اشعار شاعران بهره می‌بردند. بین کنیزان و شاعران نوعی همکاری دوطرفه وجود داشت. آن‌ها گاهی بر سر شعری معامله می‌کردند یا به شاعری سفارش شعری با مضمون خاص می‌دادند [همان، ص ۲۲۴].

نتیجه‌گیری

زنان، به‌عنوان نیمی از جمعیت مؤثر جامعه، همواره در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حضور فعال داشتند. در گذشته، نابرابری‌های اجتماعی، اعم از نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بین زنان و مردان وجود داشته است، ولی این امر در موسیقی قرون اولیه اسلامی صدق نمی‌کند. بانوان از میان طبقات مختلف اجتماعی با موسیقی در ارتباط بودند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد کنیزان رامشگر گام‌های مهمی در پیشبرد موسیقی جامعه اموی و عباسی برداشتند. آنان در کنار مردان به فعالیت‌های مختلف موسیقی همچون آهنگ‌سازی، نوازندگی، خوانندگی، آموزش، نقد و مباحثه مبادرت می‌ورزیدند. آشنا بودن کنیزان با موسیقی یک ارزش محسوب می‌شده است. کنیزان رامشگر با قیمت بسیار بالاتری به فروش می‌رفتند. معامله کنیزان در جامعه اموی و عباسی به یکی از راه‌های کسب درآمد تبدیل شد. پیامد آموزش موسیقی و معامله کنیزان را می‌توان در نقش کنیزان بر پیشبرد موسیقی آن روزگار پیگیری کرد.

از مظاهر جایگاه بالا و توانمندی زنان در موسیقی قرون اولیه اسلامی، نقش آنان در آموزش و تربیت موسیقی‌دانان مرد و زن است. نقش دیگر کنیزان ماهر و تعلیم‌دیده همانند این بود که مثل رسانه در جامعه عمل می‌کردند. آن‌ها در عصر اموی و عباسی راویان مهم موسیقی بودند که ساخته‌های آهنگ‌سازان را در جامعه روایت می‌کردند. کنیزان خود نیز در موسیقی استعداد‌های ویژه‌ای داشتند و گاهی به استادان مهم زمان تبدیل می‌شدند. از نقش‌های دیگری که کنیزان در حوزه موسیقی در جامعه قرون نخستین اسلامی داشتند، کمک به فراگیرشدن و گسترش موسیقی در جامعه بود. این افراد نقش بسیار مهمی در گسترش موسیقی بین اقشار مختلف داشتند و نزد طبقات مختلف جامعه محبوبیت بالایی داشتند. با اینکه بانوان موسیقی‌دان در حوزه‌های مختلف موسیقی، همچون خوانندگی، نوازندگی، آهنگ‌سازی و حتی سرودن شعر فعالیت داشتند، به نظر می‌رسد کمتر وارد مباحث نظریه‌پردازی‌های موسیقایی می‌شدند. نظریه‌پردازی موسیقی حوزه‌ای مردانه به شمار می‌رفت که چنین تفکیکی دلایل اجتماعی نداشته، بلکه دلایل علمی و تخصصی داشته است.

با مطالعه جایگاه زنان موسیقی‌دان در قرون نخستین اسلامی، شاهد نوعی تضاد و دوگانگی در موقعیت اجتماعی آنان هستیم. موسیقی از یک‌سو به ارتقای جایگاه بانوان کنیز کمک می‌کرده است. کنیزان با آموزش موسیقی به جایگاه بالای اجتماعی می‌رسیدند و گاه همانند شاهزادگان شهرت و ثروت فراوانی کسب می‌کردند و با اشراف و شاعران بزرگ نشست و برخاست می‌کردند. از سوی دیگر، اشتغال به موسیقی برای زنان طبقات بالا و اشراف باعث نزول شأن اجتماعی آن‌ها می‌شد. بانوان آزاد و شاهزاده با موسیقی آشنایی داشتند، ولی از آنجا که موسیقی حرفه‌ای بود که کنیزان به آن مشغول بودند، اشتغال بانوان طبقات بالا و شاهزادگان به موسیقی دون شأن اجتماعی و خانوادگی آن‌ها محسوب می‌شد. به‌طور کلی، جامعه این دوران رفتار دوگانه‌ای را با موسیقی پیش می‌گرفت. از یک‌سو موسیقی‌دانان این عصر از جایگاه اجتماعی بسیار بالایی برخوردار شدند و از سوی دیگر نگرش منفی به موسیقی نیز وجود داشت. کنیزان موسیقی‌دان نیز با اینکه از سوی آموزش موسیقی موقعیت بالای اجتماعی از نظر اعتبار و شهرت کسب می‌کردند و هرچند ممکن بود از تملک ارباب خود آزاد شوند، به دلیل پیشینه خانوادگی خود از نظر اجتماعی هم‌پایه زنان آزاد و زنان طبقات بالای جامعه محسوب نمی‌شدند.

کنیزان با اینکه پدیده خاصی را به موسیقی زمان نیفزودند و تغییرات اساسی در تاریخ موسیقی اسلام ایجاد نکردند، به‌عنوان خوانندگان و نوازندگان درجه اول ساخته‌های خود یا آهنگ‌سازان دیگر را اجرا می‌کردند و نمی‌توان انکار کرد که موسیقی دوره اموی و عباسی وامدار این کنیزان رامشگر است. نقش آن‌ها را باید در حفظ و انتشار آوازه‌ها و مهم‌تر از همه خلق فضای موسیقایی و ایجاد و افزایش اشتیاق موسیقایی در جامعه جست‌وجو کرد.

منابع

- [۱] ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۹۸۶). *مختار من کتاب اللہو و الملامی*، نشره عن نسخه یتیمه: الأب اغناطیس عبده خلیفه الیسوعی، بیروت: المکتبه الشرقيه.
- [۲] ابن زبیل، حسن بن محمد (۱۹۶۴). *الکافی فی الموسیقی*، تحقیق زکریا یوسف، بغداد: دارالقلم.
- [۳] ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۱). *سه رساله فارسی در موسیقی (دانش نامه علائی)*، به اهتمام تقی بینش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [۴] _____ (۱۳۹۳). *جوامع علم موسیقی از ریاضیات موسیقی*، برگردان و شرح از عبدالله انوار، همدان: بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا.
- [۵] ابن منجم، یحیی بن علی (۱۳۸۸). *رساله فی الموسیقی*، به اهتمام محمدتقی حسینی، تهران: فرهنگستان هنر.
- [۶] ابوالفرج اصفهانی (۱۳۶۸). *الآغانی*، ج اول، ترجمه و تلخیص: محمدحسین مشایخ فریدنی، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۷] _____ (۱۳۷۴). *الآغانی*، ج دوم، ترجمه و تلخیص: محمدحسین مشایخ فریدنی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۸] احمدی، آزاده (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی نقش و جایگاه زنان در موسیقی دوره ساسانی و عباسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اتنوموزیکولوژی، پردیس بین الملل فارابی دانشگاه هنر.
- [۹] اکبری، حسن (۱۳۷۸). «برده‌داری در هزاره دوم و سوم پیش از میلاد در بین‌النهرین»، *باستان‌پژوهی*، ش ۵ و ۶، ص ۱۲-۱۳.
- [۱۰] بووا، لوسین (۱۳۸۸). *برمکیان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۱۱] جاحظ، ابوعثمان عمر و بن بحر (۱۳۳۰). *تاج: در اخلاق پادشاهان و منشا ایشان*، ترجمه حبیب‌الله نوبخت، تهران: کمیسیون معارف.
- [۱۲] رهبر، ایلناز؛ اسعدی، هومان (۱۳۹۱). «جایگاه بانوان موسیقی‌دان در دوره صفوی با نگاهی بر تصاویر نگارگری»
- [۱۳] زارعی، محمدابراهیم؛ شریف‌کاظمی، خدیجه (۱۳۹۳). «مطالعه تأثیر زنان در عرصه هنر موسیقی دوران میانی اسلام بر اساس نقوش سفالی»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۶، ش ۴، زمستان، ص ۴۲۷-۴۴۴.
- [۱۴] زیدان، جرجی (۱۳۹۲). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- [۱۵] شادقزوینی، پریسا (۱۳۹۱). «بررسی هویت زنان در نقوش آثار هنری سده‌های آغازین اسلام»، *زن در فرهنگ و هنر*، ش ۴، زمستان، ص ۵۹-۷۴.
- [۱۶] عالم‌زاده، هادی؛ کاظم‌نیا، فریبا (۱۳۸۸). «کارکرد کنیزان در خانواده»، *پژوهش زنان*، دوره ۱، ش اول، پاییز، ص ۹۹-۱۱۷.
- [۱۷] فارابی، محمد بن محمد (۱۳۷۵). *الموسیقی الکبیر*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۱۸] فارمر، هنری جرج (۱۳۶۶). *تاریخ موسیقی عرب*، ترجمه بهزاد باشی، تهران: آگاه.

- [۱۹] کندی، یعقوب بن اسحاق (۱۹۶۲). *مؤلفات الکندی الموسیقیه*، مع مقدمه و شرح و تعلیق: زکریا یوسف، بغداد: مطبعه شفیق.
- [۲۰] مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۷). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۲۱] مکی، کاظم (۱۳۹۳). *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، تهران: سمت.
- [۲۲] ملکی، توکا (۱۳۸۰). *زنان موسیقی ایران از اسطوره تا امروز*، تهران: کتاب خورشید.
- [23] Ssad al-Rasheed, Nasser (1971). "Slave Girls under the early Abbasid: A Study of the role of slaves-Women and courtesans in social and literary life in the first two centuries of Abbasid Caliphate", Based on original sources, A Thesis Submitted for the Degree of PhD, University of St. Andrews.

